

پرسش ۶۶۹: ستاره‌ی مشرقی که مجوس را به عیسی (علیه السلام) هدایت کرد، چه بود؟

السؤال / ۶۶۹: سؤال عن نجمة عیسی (علیه السلام) من المشرق فی إنجیل متی.

پرسشی درباره‌ی ستاره‌ی عیسی (ع) از شرق در انجیل متی.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين
وسلم تسليماً كثيراً.

بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم
تسليماً كثيراً.

السلام عليكم سيدي ومولاي أحمد الحسن ورحمة الله وبركاته.

آقايم و مولای من، احمدالحسن! درود و رحمت و برکات خداوند بر شما!

**أسأل الله أن يثبتنا على ولايتكم ونصرتكم، ويكتبنا من المستشهدين بين يديكم
برحمته سبحانه، هذا السؤال موجّه من الأنصار الذين لا يتحدثون العربية، طلبوا
ترجمته وتوجيهه للإمام عليه السلام.**

از خداوند می‌خواهم که ما را بر ولایت و یاری شما ثابت بدارد و ما را با رحمت
سبحانش جزو شهیدان پیشگاهتان قرار دهد. این پرسشی از سوی انصاری است که به
زبان عربی سخن نمی‌گویند و درخواست ترجمه و پاسخ آن را از امام (ع) داشته‌اند.

السؤال: ما هي النجمة في المشرق التي قادت المجوس الثلاثة من المشرق إلى عيسى (عليه السلام)؟

پرسش: ستاره‌ی مشرقی که مجوسیان سه‌گانه را از مشرق به سوی عیسی (ع) آورد، چیست؟

في إنجيل متى، الأصحاح الثاني: (1) وَلَمَّا وُلِدَ يَسُوعُ فِي بَيْتِ لَحْمِ الْيَهُودِيَّةِ، فِي أَيَّامِ هِيرُودُسَ الْمَلِكِ، إِذَا مَجُوسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ قَدْ جَاءُوا إِلَى أُورُشَلِيمَ 2 قَائِلِينَ: «أَيْنَ هُوَ الْمَوْلُودُ مَلِكُ الْيَهُودِ؟ فَإِنَّا رَأَيْنَا نَجْمَهُ فِي الْمَشْرِقِ وَأَتَيْنَا لِنَسْجُدَ لَهُ».

در انجیل متی اصحاح دوم آمده است: «1 و چون عیسی در ایام هیرودیس پادشاه در بیت‌لحم یهود تولد یافت، ناگاه مجوسی چند از مشرق به اورشلیم آمده 2 گفتند: کجا است آن مولود که پادشاه یهود است؟ زیرا ستاره‌ی او را در مشرق دیده و برای سجده در پیشگاه او آمده‌ایم».

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: الأخ دارن - أمريكا

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

فرستنده: برادر دارن - آمریکا

الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.

و ففك الله و سدّد خطاك، النجوم المتوهجة المنيرة في السماء قليلة إذا ما قورنت بالكواكب الأخرى، و النجوم و الكواكب التي تعكس ضوءها قليلة إذا ما قورنت بالفضاء الواسع الذي تسبح فيه، كل جرم يؤثر في الفضاء وربما يكون تأثيره كبيراً فيضطر بعض الأجرام الواقعة ضمن حدود تأثيره أن تدور حوله و كأنها خضعت له، فنجد نجوماً تدور حول نجوم أخرى، و كواكب تدور حول نجوم، و أقماراً تدور حول كواكب، و تجمعات كبيرة من غبار و كواكب و نجوم و مجموعات شمسية كثيرة تدور حول كتلة كبيرة جداً تصنع ما يشبه حفرة في الكون تسمى بالثقب الأسود،

خداوند توفیقت دهد و گام‌هایت را استوار بدارد. اگر ستارگان نورانی موجود در آسمان را با سایر سیارات مقایسه کنی تعداد آنها کمتر است، و ستارگان و سیارات که نور خود را منعکس می‌کنند نیز در مقایسه با فضای وسیعی که در آن شناور هستند، تعداد کمی هستند. هر جرمی در فضا تأثیرگذار است و چه بسا تأثیر بزرگی داشته باشد. در نتیجه برخی از اجرامی که در حدود تأثیرگذاری آن هستند، مجبور می‌شوند که گردش بچرخند؛ گویی برای او خضوع و خشوع می‌کنند. لذا می‌بینیم که برخی ستارگان حول برخی دیگر گردش می‌کنند و همچنین سیارات گرد ستارگان می‌چرخند و ماه‌ها نیز گرد سیارات و تجمعات بزرگی از غبار و سیارات و ستارگان و منظومه‌های شمسی بسیار، گرد جرم بسیار بزرگی که چیزی شبیه یک حفره در کیهان ایجاد می‌کند و سیاهچاله نامیده می‌شود، گردش می‌کنند.

هذا الكون الجسماني الذي يمكن أن نراه هو كلمة من كلمات الله
يمكننا أن نصم آذاننا عن سماعها كما يمكننا أن نسمعها ونفهم منها أن

الأنبياء والذين يضعون أنفسهم في خدمة ربهم قليلون كقلة النجوم، أو نفهم منها أن هناك خلفاء لله يتبعون خلفاء لله آخرين، نجد هارون يتبع موسى (عليه السلام)، ونجد علياً يتبع محمداً (صلى الله عليه وآله)، كما أنّ هناك شموساً تدور حول شمس، وهناك مؤمنون مخلصون يتبعون أنبياء، كما تدور الكواكب حول الشمس، ويمكننا أن نفهم أن أثر الإنسان في العالم والناس بقدر عمله وإخلاصه لله كما أنّ أثر الأجرام السماوية في الكون بقدر كتلتها والطاقة التي تصدر منها أو تعكسها، ويمكننا أن نفهم أنّ الإنسان إذا أخلص لله يكاد يكون نوراً يضيء من نفسه، كما أنّ الشمس تكاد تضيء من نفسها، أي يكاد يكون نوراً لا ظلماً فيه؛ لأنه خلق على صورة الله (الله خلق آدم على صورته) ^[74]، «فخلق الله الإنسان على صورته. على صورة الله خلقه» ^[75]،

این عالم جسمانی که ما قادر به مشاهده آن هستیم کلمه‌ای از کلمات خداوند است و می‌تواند گوش‌های خود را از شنیدن باز داریم؛ همان‌طور که ما می‌توانیم به آن گوش فرا دهیم و از آن بفهمیم که انبیا و کسانی که خودشان را وقف خدمت به پروردگارشان کردند، همچون ستارگان، اندک‌اند؛ یا از آن بفهمیم خلفا و جانشینانی برای خداوند وجود دارند که از جانشینان دیگر پیروی می‌کنند؛ می‌بینیم که هارون از موسی (ع) و علی از محمد (ص) پیروی می‌کند، درست مانند خورشیدهایی که گرد خورشیدهای دیگر می‌چرخند. همچنین مؤمنان مخلصی وجود دارند که از پیامبران پیروی می‌کنند؛ درست همانند سیارات که گرد خورشیدها می‌چرخند. همچنین می‌توانیم دریابیم که تأثیر انسان در این عالم و بر مردم به میزان اخلاصش برای خداوند می‌باشد؛ درست همانند تأثیر اجرام آسمانی در هستی که به میزان جرم آنها و انرژی که از آنها صادر یا منعکس می‌شود، بستگی دارد. همچنین می‌توانیم بفهمیم که اگر انسان برای خداوند خالص گردد تقریباً نوری می‌شود که به خودی خود فروزان می‌باشد همان‌طور که خورشیدها تقریباً به خودی خود فروزان هستند؛ به عبارت دیگر نزدیک به نوری می‌شود که ظلمتی در آن نیست؛ چرا که او بر صورت خداوند خلق شده است: «خداوند آدم را

بر صورت خویش آفرید»، [76] «پس خدا آدم را به صورت خود آفرید. او را به صورت خدا آفرید»، [77]

ونرى أنّ عدداً كبيراً جداً من الأجرام يدور حول هاوية سحيقة في مركزه تسمى الثقب الأسود، وفي حين أنه لا يتوقف عن التهام ما يقع في فمه منها فهي أيضاً لا تتوقف عن الدوران حوله وكأنها مشغفة بهلاكها وكأنها تريد التهامه وتتصور نفسها أنها محيطة به وأنه واقع في فمها تماماً كما أننا جميعاً ندور حول الدنيا ونتصور أننا نقوم بالتهامها عندما نعيش فيها مشغفين بها في حين إنها تلتهمنا واحداً تلو الآخر ولا تبقى منا شيئاً، فالأجساد تطحنها الديدان والزمان، والأرواح التي تقع في فوهة الدنيا لا يبقى منها إلا مسخ مظلم لا نور فيه قليلون منا يختارون أن يبقوا بعيدين عن الفوهة ليفلتوا من جاذبية هذه الدنيا بأرواح منيرة ولا يقعوا في فوهتها المظلمة تماماً كما أنّ الأقل من الأجرام تدور بعيداً عن الثقب الأسود،

می بینیم که تعداد بسیار زیادی از اجرام، گرد گودالی بسیار قدیمی که در مرکزش چیزی به نام سیاهچاله قرار دارد، می چرخند در حالی که او از بلعیدن هر آنچه از آنها که در دهانش می افتد دست بر نمی دارد و آنها نیز از گردش گرد آن دست نمی کشند؛ گویی آنها شیفته‌ی هلاکت خودشان هستند و گویی خواهان بلعیده شدن توسط او می باشند؛ در حالی که خودشان تصور می کنند محیط بر او هستند و او در دهان آنها قرار دارند؛ درست مانند ما که همگی گرد دنیا گردش می کنیم و هنگامی که با شور و اشتیاق در آن زندگی می کنیم، تصور می کنیم ما در حال بلعیدن آن هستیم؛ در حالی که او از اولین تا آخرین را می بلعد و از ما چیزی باقی نمی گذارد. زمان و حشرات بدن‌ها را خرد می کنند و می پوسانند و از ارواحی که در سیاهچال دنیا می افتند چیزی جز زشتی تیره‌ای که نوری در آن نیست، باقی نمی ماند. چه اندک اند از ما کسانی که انتخاب می کنند از این سیاهچال برکنار بمانند تا با ارواح نورانی از جاذبه‌ی این دنیا

بگریزند و در سیاهچال تاریک آن سقوط نکنند؛ درست مانند تعداد کمی از اجرام که در فاصله‌ی دوری از سیاهچاله گردش می‌کنند.

كما قلت لك الكون كلمة الله وبالتالي يمكننا أن نستمر في السماع منها حتى نملاً كتباً مما تقوله هذه الكلمة، فإذا سمعت هذه الكلمة ربما لا احتاج أن أقول لك أي نجم رأى أولئك الذين أتوا ليسوع (عيسى عليه السلام) لأنك أكيد ستفهم أنهم كانوا يسمعون كلمات الله فرأوا النجم في رؤى الليل، فأرشدهم الله بالرؤى أن هناك نوراً ونجماً مباركاً قد نزل في الأرض المقدسة هو يسوع (عليه السلام)، وستفهم أنهم رأوا بأعينهم السماء ونجومها وهي ترشدهم إلى الجهة التي نزل فيها النجم المبارك (عليه السلام)، هم كانوا يسمعون كلمات الله جيداً؛ ولهذا فقد رأوا هذا النجم في كل شيء وكان كل شيء يرشدهم إلى ذلك النجم المبارك يسوع (عيسى عليه السلام) يمكنك أنت أيضاً أن تسمع الله في كل شيء، في كلماته، في السماء، في النجوم، في كل الأحداث التي تصادفك يومياً حتى في أعماقك يمكنك أن تسمع الله لأنك إنسان والإنسان هو كلمة الله الأعظم.

همان طور که گفتیم، کیهان کلام خداوند است و در نتیجه پیوسته می‌توانیم به آن گوش فرا دهیم تا آنجا که کتابی از آنچه این کلمه می‌گوید، بنگاریم. اگر به این کلمه گوش بسپاری چه بسا نیاز نباشد به شما بگویم آنها که به سوی يسوع (عيسى(ع)) آمدند ستاره‌ای دیدند؛ چرا که شما خواهید فهمید که آنها به کلمات خداوند گوش می‌سپرده‌اند، پس ستاره را در رؤیای شبانه دیدند؛ خداوند با رؤیا آنها را راهنمایی فرمود که نور و ستاره‌ای مبارک در سرزمین مقدس فرود آمد؛ یعنی يسوع (ع)؛ و خواهی فهمید که آنها با چشم‌هایشان آسمان و ستاره‌هایش را دیدند و آسمان نیز آنها را به سمتی که در آن ستاره‌ی مبارک(ع) فرود آمد راهنمایی کرد و هر چیزی آنها را به آن ستاره‌ی مبارک یعنی يسوع (عيسى(ع)) راهنمایی نمود. آنها به شدت به کلمات خداوند گوش می‌دادند؛ از همین رو این ستاره را در هر چیزی دیدند و همه چیز، آنها را

به سوی آن ستاره‌ی مبارک یعنی یسوع (عیسی (ع)) هدایت نمود. شما می‌توانی خداوند را در هر چیزی بشنوی، در کلماتش، در آسمان، در ستارگان، در هر چیزی که هر روز با شما برخورد می‌کند. می‌توانی در اعماق وجودت خدا را بشنوی؛ چرا که شما انسان هستی و انسان کلمه‌ی برتر خداوند است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

أحمد الحسن - جمادی الثاني / 1433 هـ

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - جمادی الثاني ۱۴۳۳ هـ



[74] - الكافي: ج 1 ص 134؛ توحيد الصدوق: ص 103.

[75] - التوراة: سفر التكوين - الأصحاح 1.

[76] - كافي: ج 1 ص 134؛ توحيد صدوق: ص 103.

[77] - تورات: سفر پیدایش - اصحاح 1.